

نگاهی به موسیقی سل



همین مه آبادی عنوان کرد.

صدا خوب و بد ندارد، فقط درک و در یافت انسان‌ها متفاوت است.

همین مه‌آبادی از آن دسته موسیقی‌دان‌هایی است که در حوزه نوآوری نیز دستی دارد. از این محقق و پژوهشگر تاکنون نغمه‌های ریادی در حوزه موسیقی به خصوص موسیقی کلاسیک و مدرن به چاپ رسیده است.

او در این سال‌ها با تشکیل گروه موسیقی سل به اجرای برنامه‌های کلاسیک و آثار بزرگان جهانی پرداخته است.

چگونه انسان‌ها به این درجه می‌رسند که در بیان احساسات و آمل خود صداهای بجزیدی را به گویدای انتخاب و استخدام می‌کنند که دیگران معمولاً قادر بدان نیستند؟

بنه‌پوون سخن‌چالسی در این زمینه دارد او می‌گوید: من زمانی را که می‌داند غور و تعمق، کشف و عکاشنه در موسیقی بسی والا بر از زرفانگری در علم و فلسفه است. فخر می‌کنم کار موسیقی برای کسی که عاشق باشد و در پی معراج، نوعی ریاضت آگاهانه است که او را به بندوبند و از کار رو به روی نشوری خارج می‌کند و در حیطه تفکرانه مورنگال که البته فلسفی علمی پژوهشی و احساسی نیز هستند عرق می‌سازد و این همان کلام بنه‌پوون است که می‌گوید: وقتی کلمات از

گفتن باز می‌مانند، موسیقی آغاز می‌شود. لذا هنر و فعالیت موسیقی تمرینات مداوم و روزانه به آرامی شکل می‌گیرد. طرز گفتار و نوع پندار و کردار فرد را نیز دچار دگرگونی می‌کند و آن وقت اگر واقعی باشد قدرتی را در آدمی به ودیع می‌گذارد که او را از دیگر هنروران خود متفاوت می‌سازد و در اصل انسان به خالق خود نزدیک شده و در سطح توانایی‌های بشری، خالق آثار بشری می‌گردد و این نمود درک و دریافت بی‌پایان او از حسی جداوند و زندگی است.

در این مرحله می‌توان خواه عمیقاً، انصاری، حافظ و فردوسی، خیام و سیم را دید که هر کدام با رسالتی در حور، شریعت دیگر را فدا می‌دهند در موسیقی نیز امر چسی است؛ چه آن کسی که گفته می‌کند: چه آن کسی که می‌نوازد معتقد به حقیقت‌های خود را در اثر بر جای می‌گذارد و بیارنده نفس خود را بر او می‌گذارد و این زرفانگری حاسی را ایجاد می‌کند که جذاب و شندنی است.

بی‌چگونه است که عده‌ای موسیقی را در حد مسائل پیش‌رفته‌ای با این می‌آورند و آن را از رسالت خود خارج می‌سازند؟

موسیقی، موسیقی است، صدا خوب و بد ندارد، تنها درک و در یافت انسان‌ها متفاوت است. زیرا به قول «نظامی» گیم حصری که در درون دانه گندمی زندگی می‌کند، دنیا را همان‌گونه می‌بیند که در اطرافش هست و غیر از آن هیچ تصور و حسی ندارد.

آنان که موسیقی را در سطوح نازل و پایین قرار می‌دهند از آن استفاده‌های مصرفی روزمره دارند و تازه آن هم از نوع بسیار بد و غیر استاندارد و این به سطح فرهنگی و برخورداری از سواد افراد و سطح فرهنگی جامعه ارتباط بر دیک است.

این امر اگر به رسانه‌های گروهی مثل رادیو و تلویزیون کشیده شود سطح هنری جامعه را قابل کرده و مخاطمین خود را آسان بسد و در نهایت فاله اندیشه می‌سازد و در دراز مدت تأثیرات نامطلوب روانی و ذهنی‌های اجتماعی را قایل می‌دهد.

رسالت دولت‌ها در کشورها در سوزی که احساس مسئولیت کند، این است که در مقابل آن دسته از موسیقی‌هایی که مانند نا ایجاد انگیزه مناسب و پختی و ملمح موسیقی خوب استناد دارد، موسیقی که جهان آن

را جزو میراث بشری می‌شمارد و البته به ملت و با دولت خاصی نیز تعلق ندارد، از سقراط عواقف انسانی، احساسی و تفکر و اندیشه جلوگیری کند. البته حکم دیوکراسی و خود همه نوع موسیقی با هر گونه گراشی است؛ اما اگر برای نوعی از موسیقی‌ها که به هر حال با علوم و استنادهای مربوطه همخوانی ندارد و نظریه‌هایی نیز همین است، یک دقیقه تبلیغ شود برای موسیقی خوب‌انی زمان می‌آید که برابر شود تا جوانان و مخاطمین این مسلمات از وجود نوع خوب و شکرانه موسیقی نیز مطلع شده و در نهایت با آگاهی موسیقی دل‌خواه خود را انتخاب کنند.

فرهنگ بشری با آن چیزی که عالمان جهان دانشمندان و هنرمندان در پی آن هستند، در عقوله انصاف بود آور بسند، بلکه ساز به هر سه و زحمت بسیار دارد تا در مقابل نه‌اجم سرمایه و سود بتواند مقاومت کند؛ بی‌شک این از سوی کسانی که به هر حال هستی در این ماجراهای اقتصادی دارند، رد خواهد شد.



اما در کشورهای پیشرفته دنیا روال همین است و ما نیز جز این نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. موضوع کتاب و فیلم، تأثیر و دیگر هرچیزی از این عقوله جدا نیست. آیا فکر می‌کنند که تشویق مردم به خرید موسیقی خوب که به هر حال موسیقی کلاسیک در آن‌ها قرار دارد و راه‌نمایی‌های مشخص و اصولی برای درک و

ارضا با آن می‌تواند راه‌حل مشکل باشد؟ یکی از راه‌های مطرح همین است که شما به آن اشاره کردید. کالای فرهنگی را باید به طریقی تسلیغ کنیم که مخاطمین در جریان نشر و عرضه آن قرار گیرند. یعنی دوستانان موسیقی با تهیه یک نوار کاست که با توجه به نرخ قیمت کالاهای مختلف، زیاد گران به نظر نمی‌رسد با CD آثار مختلف موسیقی ناب، استاندارد سطح هنری خود را از تقاضا دهند و از ساده‌نگری و سهل‌انگاری رها شوند و در بعد فرآگیر تر، اقدام به بخش آثار ممتاز موسیقی ایران و جهان کنیم تا از طریق گزیده‌های رادیو و تلویزیون مخاطمین بیشتری را جذب کنیم.

در کنار این‌ها نا رویکردی جدی به امر پژوهش تحقیق و شنودگان خود عمایل جدی این موسیقی را تشریح کنیم و قدم به مرحله‌ای نگذاریم که مردم متوجه شوند موسیقی، عقول‌های تخریبی و فتنی با وسط‌های برای سرگرمی نیست.

این تازه گامی به سوی طرح موضوع تحصیلات و تخصص موسیقی خواهد بود. مردم باید در بایند که یک موسیقیدان حداقل به اندازه یک پزشک زحمت می‌کشد. او سال‌ها تحصیل می‌کند، مطالعه می‌کند و تمرینات سختی را پشت‌سر می‌گذارد. آنگاه است که استعدادهای ذاتی او مطرح می‌شود، هر سال در سطوح جهانی از نوازس موسیقی کنسرت و نوارها و استکده‌های سوزیک، صداها نر فارغ‌التحصیل می‌شوند؛ اما از بین این تعداد فقط افراد معدودی قادر به ادامه راه موسیقی هستند که البته به توانایی‌ها و خلافت شخصی و مسائل تکنیکی و عشق وافر و به قوای برگزیدگی نیز مربوط است.

کسی که دارای این ویژگی‌ها هست؛ تازه باستی حالتی نیز باشد و گریه در منقلب‌نام و نان درگیر می‌شود و در پراخه نایدیدا در این وادی آنان که درست بتوانند راه بیابند؛ کم نیستند؛ اما زیاد هم نیستند.

موسیقی سل به سرپرستی شما در این راستا چگونه شکل شد و چه رسالتی را دنبال می‌کند؟

موسیقی سل سال ۱۳۶۲ با کمک دوستان جوانی که هم‌اکنون نیز به کار موسیقی مشغولند؛ با هدف معرفی آموزش و اجرای موسیقی کلاسیک شکل گرفت. در آن سال‌ها مجوز لازم از وزارت ارشاد در یافت شد و مرکز موسیقی سل کار خود را آغاز کرد تا این که در عقوله آموزش، موفقیت‌های چشمگیری به دست آمد و توانایی که برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های معتبر دنیا در سوند، آمریکا، اسپانیا و تالانچه کاتانار همسار شدند؛ مانند این ادعاست آن‌ها سانسور خورداری از تحصیلات عالی موسیقی که در نهایت به موسیقی کشورشان خدمت کرده و جواهند کرد. سعی ما نیز در

هفته نامه فرهنگی، اجتماعی و ورزشی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: فیروز بوزویی
سرپرست: سعید عالم‌گسری
طراحی و خروجه‌چینی: زهرا زنگنه
لیتوگرافی: عزت اسکندر، ۷۲۲۰۳۳۱ چاپ: مطبوعات ۷۷۳۲۰۰۳
شمارگان: ۲۰۰۰
درمانشده: سه راه شریعتی کوی فرهنگ، پلاک ۳۴
تلفن: ۷۷۷۲۳۳۳، فاکس: ۷۲۸۰۳۳۹، شماره ۰۱۱۱۲۵۰۱۱۸



است. هومن احتیری و در نهایت ناهید ابطیسی که کنار کلاسیک می‌نوازد در تایش هم‌راهی حالی را اجرا می‌دهد.

به عنوان سوال آخر اگر امکان دارد درباره‌ی ضبط آثار تان توضیح دهید؟

امروزه خوشبختانه موسیقی سل در پایداری خود، به اصل‌نهای تعریف شده، رادخود را بی‌می‌گیرد و هر قدم از قدم قبلی درخشانتر به نظر می‌رسد. مابسی از اجرای زنده ضبط شده و از فرعی و لطافت خاصی بر خوردار می‌باشد و حاوی آثاری از عوراب - بنه‌پوون - بست - هایدن - بوتالی - دوفه، کار مانکل کورتللی می‌باشد که بصورت (CD) (ORIGINAL) کاست به دوستانان نسبت به آلبوم‌های گذشته از کیفیت بهتر و disgn مطلوب جلد بر خوردار است و پختی آن نیز به عهده سل - مه‌آبادی می‌باشد.

البته به این نکته هم اشاره کنیم که موسیقی کلاسیک را نباید در استودیو ضبط کرد. این نوع موسیقی برای صحنه ساخته شده و می‌بایست از صحنه مستقیماً به ضبط سپرده شود.

ماهی که در این راه در مرحله آموزش و خطا هستیم هیچ چیز یکباره به دست نمی‌آید و کاری که در کشور ما برای نخستین بار انجام می‌شود بی‌شک دارای نقیضات حتمی است اما ما تا هر قدم، روشنی‌های تازه‌ای را کشف می‌کنیم و عشق به فول‌تیج در پایداری است که معنی دارد و به طور حتم سال‌های کار هر قدر مداوم داشته باشد شکوه و عظمت موسیقی به همان اندازه نمایانگر خواهد شد.

انتهای پیام

گردآورنده: هما صبر از حامی